

فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷، صفحات ۳۵-۵۸

**صنایع روستایی، عاملی تأثیرگذار بر فرآیند توسعه  
اقتصادی و اجتماعی:  
نمونه تجربی روستاهای شهر بومهن**

*اسماعیل نصیری\**

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۱۱/۲۸، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۷/۴/۳۱

**چکیده**

راهبرد ورود صنایع به نواحی روستایی در حکم راهکاری برای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهای در حال توسعه تلقی می‌شود. در این تحقیق، به منظور ارزیابی تأثیر نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق روستایی، ده روستا (شامل پنج روستای دارای صنایع و پنج روستای فاقد صنایع) واقع در پیرامون شهر بومهن در ۴۰ کیلومتری کلان‌شهر تهران به‌عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند. نتایج به‌دست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد که در شاخص‌های برگزیده، شامل خوراک، پوشاک، کیفیت مسکن، رضایت و ثبات شغلی، عدم مهاجرت، انگیزه ماندگاری، دو جامعه نمونه از روستاهای مورد مطالعه تفاوتی معنی‌دار دارند.

**کلیدواژه‌ها:** صنایع روستایی / توسعه اقتصادی / توسعه اجتماعی / بومهن (روستاها).

\* \* \*

### مقدمه و طرح مسئله

صنعتی‌سازی روستایی راهبردی است که ابزارهای مناسب برای متنوع‌سازی اقتصاد روستایی را فراهم می‌آورد و از این رو، رویکردی اقتصادی به‌شمار می‌رود که با ایجاد اشتغال و افزایش و توزیع متعادل‌تر درآمدها، سطح زندگی روستاییان را بهبود بخشیده، زمینه‌دستیابی به توسعه پایدار روستایی را فراهم می‌سازد (Lee, 2007: 3).

نظریه صنعتی شدن مناطق روستایی عاملی تأثیرگذار بر فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی است که در عین حال، آخرین چاره کار برای حل مشکل فقر در مناطق روستایی محسوب می‌شود. بر اساس این دیدگاه، از طریق صنعتی‌سازی و گسترش فعالیت‌های غیرکشاورزی در روستاها، می‌توان به افزایش رفاه و تأمین کالاها و خدمات ضروری برای خانوارهای روستایی تحقق بخشید. تأثیرات و نفوذ صنعت در مناطق روستایی با ایجاد اقتصادی فعال می‌تواند دارای اثرات تکاثری باشد، به طوری که تجربیات کشورهای متعدد نشان می‌دهد هر تغییر ساختاری از طریق صنعتی شدن نه تنها نقش اقتصادی باارزش در مناطق روستایی ایجاد می‌کند بلکه منجر به اقتصاد خودرانشی می‌شود (Wheitz, 2006: 63). بر این اساس، صنعتی شدن می‌تواند از طریق افزایش تولیدات روستایی، بهره‌وری، ایجاد فرصت‌های شغلی، تأمین نیازهای اساسی و ایجاد پیوند با دیگر بخش‌های اقتصادی، نقشی بسیار مهم در توسعه روستایی ایفا کند (Radpear, 2008)\*.

بررسی مقوله راهبردهای توسعه روستایی در کشورهای جهان سوم نشان می‌دهد که هر یک از این کشورها متناسب با ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تاریخی خود رویکردهایی متفاوت داشته‌اند. در ایران نیز طی دهه‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۷۰، صنعتی‌سازی روستاها و طرح ایجاد نواحی صنعتی روستایی از راهبردهای مهم توسعه به‌شمار می‌رفت (اختر، ۱۳۸۳: ۹۳).

هر چند، نخست، این مقوله در برنامه عمرانی دوم (پیش از انقلاب اسلامی) مطرح شد، اما چون رویکرد اصلی برنامه‌های عمرانی بخش صنعت در آن زمان بر راهبرد

توسعه صنعتی در نقاط شهری استوار بود، هیچ‌گاه صنایع روستایی نتوانسته است که جایگاه واقعی خود را در عمران روستایی بیابد (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴: ۱۷-۲۰). در سال‌های آغازین انقلاب نیز عمده فعالیت‌های روستایی به اجرای طرح‌های زیرساختی و کالبدی معطوف بود؛ تا اینکه در برنامه اول توسعه اقتصادی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، صنایع روستایی به‌لحاظ اهمیت آن در افزایش سطح درآمد روستاییان و ایجاد زمینه‌های ارتقای فناوری در فعالیت‌های سنتی و بومی مورد توجه قرار گرفت. یکی از طرح‌های دولت در این برنامه «ایجاد نواحی صنعتی روستایی» بود (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۵: ۲۰-۲۳). تنوع‌بخشی به اقتصاد روستا، جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه از مناطق روستایی به مناطق شهری، و کاهش نابرابری‌های فضایی بین مناطق شهری و روستایی از سیاست‌های اساسی دولت در توسعه روستایی است که در قالب اهداف کلی برنامه‌ها و طرح‌هایی تدوین شده است و در بخش‌های مختلف کشور، به‌ویژه در نواحی روستایی، به‌صورت هدایت‌شده در حال اجراست (صحرائیان، ۱۳۸۰: ۲۲).

در این زمینه، گروهی از محققان توسعه روستایی، با بحث بررسی پیرامون صنعتی‌سازی روستا به‌مثابه سنگ بنای راهبرد توسعه آینده، بر این باورند که در فرآیند توسعه اقتصادی کشور، صنعتی‌سازی روستایی در چارچوب طرح جامع ملی و نیز افزایش نرخ صادرات در راستای ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها با سه هدف عمده اصلاح درآمد سرانه، کاهش بیکاری و کاهش عدم تعادل بین‌منطق‌های رویکردی اجتناب‌ناپذیر است. از این‌رو، در دو دهه اخیر، مسئولان و برنامه‌ریزان کشور استقرار صنایع در روستا در قالب شهرک‌ها و نواحی صنعتی را در دستور کار خود قرار داده‌اند (کلانتری، ۱۳۸۰: ۱۵-۲۴). دهستان سیاهرود از توابع بومهن عضوی از جامعه روستایی کشور است که به‌دلیل ناپایداری شرایط بوم‌شناختی و از آن جمله خشکسالی‌های دوره‌ای و پیامدهای ناشی از آن-مانند کمبود منابع آب و زمین‌های کشاورزی و عدم امکان افزایش سطح زیر کشت- با ضعف بنیان‌های کشاورزی مواجه بوده، قادر به

تأمین شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی مناسب برای توسعه روستایی نیست؛ و از این‌رو، مقاله حاضر در پی پاسخ‌گویی بدین پرسش است که «آیا صنایع روستایی در محدوده مورد مطالعه در صنایع کوچک را می‌توان گامی برای توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه روستایی در دهستان سیاهرود بومهن دانست؟».

### مبانی نظری پژوهش

در اینجا، با توجه به اهمیت نظریه‌ها و دیدگاه‌های موجود در زمینه صنایع روستایی و تأثیر آن در توسعه روستایی، به ادبیات نظری پژوهش می‌پردازیم.

ام. تی. هاگ<sup>(۱)</sup>، در تحلیل فرآیند توسعه روستایی، بر این باور است که به‌موازات دیگر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی، باید صنعت را به‌مثابه مهم‌ترین مؤلفه هر برنامه توسعه یکپارچه روستایی پذیرفت. ماهیت و الگوی صنعتی شدن، چه در صنایع کوچک مقیاس و یا صنایع دستی و چه در صنایع بزرگ مقیاس، تابع مواد خام اولیه و منابع انسانی در ابعاد محلی و منطق‌های است (Chadwilk, 2007: 55). هاگ تصریح می‌کند که صنعتی‌سازی با ایجاد مهارت‌های جدید و ایجاد هماهنگی به شکستن موانع سنتی رشد اقتصادی در مناطق روستایی می‌انجامد (مؤمنی، ۱۳۸۵: ۱۲). یو.سی. نایاک<sup>(۲)</sup>، در تحلیلی بر روندهای توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه، معتقد است که اغلب ارائه طرح‌های توسعه برای مناطق روستایی این کشورها با شکست روبه‌رو شده است. به باور او، تن‌ها راه حل مشکل فقر و بیکاری در مناطق روستایی ایجاد فرصت‌های شغلی است و با برنامه‌ریزی در راستای استقرار صنعت در مناطق روستایی می‌توان ضمن ایجاد اشتغال، اهداف توسعه روستایی را محقق ساخت (Pears, 2007: 77).

دیوید راجز<sup>(۳)</sup>، با بررسی اثرات استقرار صنعت در شهرک‌ها و مناطق روستایی ایالت آیوا، نشان می‌دهد که صنعتی‌سازی روستایی برای اجتماعات مورد مطالعه با منافع گسترده همراه بوده، به‌طوری که بر یکپارچگی خانوارها، درآمد سرانه و توزیع متعادل درآمدها افزوده است (مطیعی لنگرودی و مرادی، ۱۳۸۴: ۴۰-۴۳). آبراهام<sup>(۴)</sup> نیز با

بررسی الگوی صنعتی‌سازی روستایی هند، معتقد است که استقرار صنعت در مناطق روستایی نقشی بسیار مهم در ایجاد اشتغال و درآمد داشته است (Abraham, 2004: 33). صنعتی‌سازی روستایی با استفاده از منابع محلی به تحکیم الگوی عدم تمرکز صنایع می‌انجامد و پلی است که میان مناطق شهری و روستایی پیوند ایجاد می‌کند؛ و بدین ترتیب، اختلاف زندگی در نواحی شهر و روستا کاهش می‌یابد (Walkers, 2007: 83). جی. تی. شای<sup>(۵)</sup>، با بررسی سیاست‌های توسعه روستایی در کشور تایوان، ظهور تخصص‌گرایی، تعادل مناطق شهری و روستایی، افزایش درآمدهای محلی و افزایش ضریب اشتغال غیرکشاورزی را از اثرات استقرار صنعت در مناطق روستایی می‌داند (گرگانی، ۱۳۸۶: ۳۵-۴۳). بر این اساس، باید اذعان داشت که امروزه صنعت به‌مثابه اصلی‌ترین ابزار در توسعه و به‌ویژه توسعه مناطق عقب‌مانده دارای نقشی محوری است، نقشی احتمالاً برخاسته از این واقعیت که قابلیت جابه‌جایی و انعطاف‌پذیری عوامل تولید بر حسب شرایط و اوضاع محیطی - منطق‌های و ملی در بخش صنعت بیش از کشاورزی است؛ و چه‌بسا به‌همین دلیل، قطب‌های توسعه به‌خصوص در کشورهای جهان سوم و به‌ویژه در مناطق فاقد توان مناسب برای توسعه کشاورزی بر پایه صنعت استوار می‌شوند (Smith, 2008: 77). با این همه، به‌رغم نقش و اهمیت این بخش در توسعه مناطق عقب‌مانده، به‌دلیل تمرکز در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در کشورهای جهان سوم، بسیاری از دولت‌ها به رشد ملی بیش از توسعه یکپارچه منطق‌های توجه دارند؛ و به همین دلیل، در برنامه‌های پنج‌ساله آنها، همواره تنظیم و اجرای برنامه‌ها و فعالیت‌ها با تأکید بر میزان نرخ رشد و در راستای دستیابی بدان صورت می‌گیرد. بررسی وضعیت صنعتی در این کشورها نمایانگر آن است که صنایع آن‌ها بیشتر در چند قطب توسعه متمرکزند و در واقع، سایر مناطق با همان عقب‌ماندگی صنعتی رها شده‌اند. این روند سرانجام به توسعه بیشتر مناطق توسعه‌یافته و عقب‌ماندگی بیشتر مناطق عقب‌مانده می‌انجامد و بر شکاف بین این‌گونه مناطق می‌افزاید. از این‌رو، برای جلوگیری از رشد ناموزون مناطق گوناگون، باید به صنعت

بیش از پیش توجه شود؛ و به دلیل انعطاف‌پذیری و قابلیت جابه‌جایی عوامل تولیدی در صنعت، می‌توان از آن به صورت اهرمی برای توسعه مناطق عقب‌مانده استفاده کرد (نجفی کانی، ۱۳۸۵: ۳۰-۳۱). ایران، به‌عنوان کشوری در حال توسعه، باید برای تقویت ساختاری خود به توسعه صنایع روستایی بپردازد، زیرا این دسته از صنایع در توسعه و رشد مناطق روستایی و تعادل بین شهر و روستا از اهمیت زیادی برخوردار است و رشد و توسعه بخش کشاورزی، افزایش درآمد و سطح رفاه روستاییان، کاهش روند مهاجرت از روستا به شهر، و استفاده بهینه از منابع موجود در منطقه را به ارمغان خواهد آورد. ایجاد و گسترش صنایع در مناطق روستایی و معرفی آن در قالب یک جریان تولیدی وسیع و همه‌جانبه و در جایگاه مکمل و پشتیبان بخش کشاورزی و افزایش درآمد شاغلان این بخش و نیز جانشینی نیرومند برای جذب نیروی کار مازاد بر فعالیت‌های کشاورزی در مناطق روستایی، از اهداف اصلی ایجاد صنعت روستایی کشور به‌شمار می‌روند (مهندسین مشاور راهور، ۱۳۸۵: ۷۲-۸۱). مروری بر پیشینه تحقیق و مطالعات موردی خارج از کشور در باره پیامدهای استقرار صنعت در مناطق روستایی به‌خوبی نشان می‌دهد که می‌توان اشتغال‌زایی بخش غیرکشاورزی را راهبردی مناسب برای اشتغال روستایی دانست و در این زمینه، صنایع روستایی از سایر فعالیت‌های غیرکشاورزی مفیدتر است (Lanjouw, 2008: 248). صنایع کوچک روستایی، با توانایی بسیار در جذب نیروی کار (به‌علت کاربر بودن این صنایع)، از منابع عمده درآمد است و از شکاف درآمدی در سطح روستاها می‌کاهد. این بخش می‌تواند برای گروه‌های کم‌زمین یا فاقد زمین، که درآمد کشاورزی پاسخ‌گوی نیازهایشان نیست، اشتغال و درآمد ایجاد کند (Skinner, 2007: 367). در ایران نیز در زمینه نقش صنعتی‌سازی روستایی در توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها، محققانی چون طاهرخانی (۱۳۷۹)، مطیعی لنگرودی (۱۳۷۹)، رحیمی (۱۳۸۳)، دربان آستانه (۱۳۸۴)، شایان و شاهی اردبیلی (۱۳۸۶) تحقیقاتی سودمند به انجام رسانده‌اند. در این تحقیقات، برای سنجش آثار و پیامدهای صنعتی‌سازی روستاها، با استفاده از طرح پانل

در دوره‌های قبل و بعد از اشتغال، میزان تغییر شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی نزد شاغلان بخش صنعت بررسی شده است. تحقیق حاضر، برای پی بردن به نقش صنایع کوچک روستایی در فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی، به آزمون و بررسی مقایسه‌های روستاهای دارا صنایع و فاقد صنایع بومهن می‌پردازد.

### روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش، با نگاهی به نظریه‌های گوناگون در مورد تأثیر صنایع روستایی بر فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی، و نیز فرضیه‌ای مبنی بر تأثیرگذاری استقرار واحدهای صنعتی در روستاهای مورد بررسی در بهبود درآمد، الگوی مصرف و تغییرات در ترکیب سنی جمعیت، ثبات شغلی و مشارکت در روستاهای دارای صنایع، در سطح یک ناحیه جغرافیایی مشخص و محدود شامل برخی از روستاهای شهر بومهن به صورت نمونه‌های انجام شده است. پژوهش حاضر، با هدف شناخت رابطه ایجاد صنایع روستایی با تغییرات شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی در روستاهای دارای صنایع، در پی پاسخ‌گویی بدین پرسش است که «آیا بین ایجاد صنایع روستایی در روستاهای شهر بومهن و بهبود شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی رابطه‌ای وجود دارد؟».

### جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری محدوده مورد مطالعه دهستان سیاهرود از بخش مرکزی شهر بومهن است که طبق آخرین تقسیمات سیاسی، یک دهستان و ۶۷ آبادی مسکونی با جمعیتی در حدود ۸۹۸۳ نفر را در بر می‌گیرد. برای انتخاب حجم نمونه، ابتدا روستاها به دو گروه دارای صنایع و فاقد صنایع (هر کدام شامل پنج روستا) تقسیم و سپس، ۲۰ درصد از هر گروه انتخاب شدند. در مرحله بعد، برای انتخاب خانوارهای نمونه، کدبندی همه روستاها بر اساس طبقه آن‌ها صورت گرفت و آنگاه با استفاده از نرم‌افزارهای

SPSS و MINI-TAB، ۱۰ روستا به شیوه کاملاً تصادفی انتخاب شدند. بدین ترتیب، حجم کل خانوارهای انتخابی به ۲۳۸۵ رسید که با استفاده از فرمول کوکران، ۲۴۸ خانوار برای مطالعه انتخاب شدند؛ از این تعداد، به روش تخصیص متناسب، ۲۰۸ خانوار از شاغلان در بخش صنعت و ۱۰۸ خانوار از شاغلان در بخش غیرصنایع به صورت نمونه‌گیری تصادفی ساده تعیین شدند. به منظور گردآوری داده‌های تحقیق، از ۲۴۸ پرسشنامه (شامل ۴۰ پرسشنامه ویژه سرپرستان خانوار و ۲۰۸ پرسشنامه کارگاهی صنعتی) استفاده شده است. در طراحی پرسشنامه، با دقت لازم در ارائه پرسش‌های ساده و روشن، تأکید بر استفاده عملی از نتایج تحقیق در توسعه فرآیند اقتصادی و اجتماعی بوده است. برای تعیین میزان معنی‌داری تفاوت اهمیت ایجاد صنایع در بهبود متغیرها و تحلیل بهتر نمونه‌ها، به ترتیب از آمار پارامتری (فراوانی، میانگین، تحلیل واریانس، آزمون f دانکن<sup>(۶)</sup> و آزمون t)، و آمار ناپارامتری (آزمون مان ویتنی) استفاده شده است. برای سنجش تأثیرات صنایع، شاخص‌هایی در نظر گرفته شده که در پرسشنامه، با پرسش‌های متعدد سنجیده شده‌اند؛ از آن میان، تعدادی از شاخص‌های سازگار مرتبط با سنجش تأثیر صنایع و میزان اثرگذاری آن در روستاهای مورد مطالعه انتخاب شدند. شاخص‌های معرف میزان تأثیرگذاری صنایع که مبنای تنظیم پرسشنامه‌ها نیز بودند، عبارت‌اند از شاخص‌های مربوط به درآمد، الگوی مصرف، ترکیب سنی و جنسی جمعیت، جلوگیری از مهاجرت، رضایت شغلی، مشارکت در امور روستا، استفاده از رسانه، سواد، بیمه، و کیفیت و کمیت مسکن روستایی. با توجه به قلمرو مورد مطالعه، انتخاب سهم هر کدام از روستاهای همگن در حجم نمونه صورت گرفت. همچنین، برای تعیین همگنی روستاها، از معادله‌های زیر استفاده شده است:

$$sd_D = \frac{\sum (D_i - D)^2}{N}, \quad \bar{D} = \frac{\sum_{j=1}^n D_j}{n}$$

و در مرحله بعد، برای یافتن روستاهای همگن، فواصل حد بالا (d) و حد پایین

$$\bar{D} - D - 2Sd \quad , \quad D^+ = D + \Omega Sd \quad (d) - \text{طبق معادله‌های زیر به دست آمد:}$$



در اینجا، عدد ۲ همان مقدار Z (توزیع نرمال) است که در سطح ۹۵ درصد محاسبه شده است. روستاهای واقع در محدوده  $D^+$ ،  $D^-$  همگن تلقی می‌شوند. البته با توجه به مقدار  $0z$ ، برخی از روستاها همگن نبوده و حذف شده‌اند (عمیدی، ۱۳۸۱: ۴۳؛ و ساروخانی، ۱۳۷۵: ۵۲).

### قلمرو جغرافیایی مورد مطالعه

شهر بومهن در مختصات جغرافیایی ۳۳ درجه و ۳۶ دقیقه عرض شمالی، و ۵۱ درجه و ۴۳ دقیقه طول شرقی در ۴۰ کیلومتری کلان‌شهر تهران واقع شده و از شهرهای شهرستان تهران است (سازمان جغرافیایی ارتش، ۱۳۸۶: ۳۳؛ و وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۶: ۲۹). این شهر دارای چهار واحد صنعتی کارگاهی است که در اینجا، برای شناخت بیشتر آنها، هر کدام جداگانه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند (جدول ۱).

واحد صنعتی خرم‌دشت؛ این شهرک با مساحتی معادل ۸۰ هکتار، واقع در غرب شهر بومهن و در کنار روستای خرم‌دشت، در ۱۳۶۸ به تصویب هیئت دولت رسیده و تاکنون حدود ۷۳ درصد اراضی آن به سرمایه‌گذاران واگذار شده است. در این شهرک، که بزرگ‌ترین شهرک صنعتی در محدوده مورد مطالعه است، نزدیک به ۱۰۰ قرارداد با ظرفیت اشتغال ۵۴۰۰ نفر منعقد شده است (شرکت شهرک‌های صنعتی استان تهران، ۱۳۸۶: ۸۳). واحدهای تولیدی فعال این شهرک عبارت‌اند از: مواد غذایی، آشامیدنی، نساجی، پوشاک و چرم، چوب و محصولات چوبی، محصولات پلاستیکی، شیمیایی، شیشه و فرآورده‌های شیشه‌ای، تولیدات فلزی، و ماشین‌آلات صنعتی. در خرم‌دشت، امکانات زیربنایی از قبیل آب، برق، و مخابرات وجود دارد اما در موارد شبکه جمع‌آوری فاضلات و ایجاد فضای سبز، اقدام لازم صورت نگرفته است (نصیری، ۱۳۸۶: ۳۵۰-۳۵۱).

واحد صنعتی سیاه‌سنگ؛ این شهرک با مساحتی معادل ۵۰ هکتار، واقع در قسمت شرقی بومهن و در نزدیکی روستای سیاه‌سنگ، در ۱۳۸۶ به تصویب رسیده و حدود

۶۹ درصد از اراضی آن به سرمایه‌گذاران واگذار شده است. در این شهرک، تاکنون ۷۰ واحد تولیدی با ظرفیت اشتغال ۱۱۰۰ نفر به بهره‌برداری کامل رسیده است (وزارت صنایع و معادن، ۱۳۸۶ج: ۲۸).

واحد صنعتی باغ‌گمیش؛ با مساحتی معادل ۳۰ هکتار، در جنوب بومهن واقع شده و با ظرفیت اشتغال حدود ۹۸۰ نفر، نزدیک به ۸۸ درصد از اراضی آن به افراد واگذار شده است (وزارت صنایع و معادن، ۱۳۸۶د: ۴۳).

کرشت و پله‌سنجر؛ به ترتیب، واقع در غرب و شرق بومهن و در مجموع، دارای ۴۰ هکتار وسعت و حدود ۷۵۰ نفر ظرفیت اشتغال است (شرکت شهرک‌های صنعتی استان تهران، ۱۳۸۶: ۴۳؛ و وزارت صنایع و معادن، ۱۳۸۶ب: ۵۵).

جدول ۱- مشخصات واحدهای صنعتی در حال بهره‌برداری بومهن در ۱۳۸۶

واحد‌های صنعتی	ظرفیت اشتغال (نفر)	مساحت (هکتار)
خرمدشت	۵۴۰۰	۸۰
سیاه‌سنگ	۱۲۰۰	۵۰
باغ‌گمیش	۹۸۰	۳۰
کرشت و پله‌سنجر	۷۵۰	۴۰
مجموع	۸۳۳۰۰	۲۰۰

منبع: وزارت صنایع و معادن، ۱۳۸۶ ب: ۵۳؛ و نصیری، ۱۳۸۶

در مجموع، حدود ۱۰۱۸ واحد کارگاهی و تولیدی در شهر بومهن وجود دارد که از آن میان، ۹۳۶ واحد کارگاهی - صنعتی به بهره‌برداری کامل رسیده است. در میان واحدهای تولیدی فعال، ۳۲۶ واحد به چوب و محصولات چوبی، ۳۰۰ واحد به محصولات شیمیایی، ۱۴۲ واحد به محصولات پلاستیکی، ۸۰ واحد به تولیدات فلزی، ماشین‌آلات و تجهیزات، ۲۸ واحد به شیشه، ۲۸ واحد به کاغذ و مقوا، ۲۵ واحد به پوشاک و چرم، و ۷ واحد به مواد غذایی و آشامیدنی اختصاص دارند (نصیری، ۱۳۸۶: ۳۵۳-۳۵۴).

## تفسیر یافته‌های تحقیق

## افزایش درآمد

بر اساس نتایج تحقیقات میدانی، در طبقات درآمدی روستاهای دارای صنایع و فاقد صنایع تفاوتی آشکار دیده می‌شود، به گونه‌ای که حداقل و حداکثر درآمد در روستاهای فاقد صنایع به ترتیب، ۲۰۰۰۰ و ۴۰۰۰۰ ریال است؛ در حالی که میزان درآمد در روستاهای دارای صنایع حداکثر ۶۰۰۰۰ ریال است (جدول ۲).

جدول ۲- درصد درآمد خانوارهای روستاهای دارای صنایع و فاقد صنایع بومهن

(واحد: هزار ریال)

روستاها	۱-۲۰۰۰۰	۲۰۰۰۱-۴۰۰۰۰	۴۰۰۰۱-۶۰۰۰۰	۶۰۰۰۰ و بالاتر
دارای صنایع	خرمدشت	۵/۲	۷/۷	۳۸/۹
	سیاه‌سنگ	۳/۳	۲۷/۲	۳۰/۲
	باغ‌گمیش	۲/۱	۴۹/۲	۱۹/۸
	کرشت	۲	۵۳/۲	۱۹/۵
	پله‌سنجر	۱	۵۰/۱	۲۰/۵
فاقد صنایع	سنگ‌لشگری	۴۵/۸	۵۴/۲	۰
	طاهرآباد	۴۱/۷	۵۸/۳	۰
	گل‌خندان	۳۷/۸	۶۲/۲	۰
	واصفجان	۲۹/۷	۷۰/۳	۰
	گل‌دره	۱۷/۷۱	۸۲/۳	۰

منبع: یافته‌های تحقیق

در جدول ۳، میانگین درآمد به دست از آزمون F دانکن نشان می‌دهد که متغیرهای درآمد و انواع هزینه‌ها در بین گروه‌ها و درون گروه‌ها یکسان نیست؛ و از این رو، در آزمون F، سطح معنی‌داری در سطوح ۰/۰۵ و ۰/۰۱ در تمام متغیرها نشان‌دهنده تفاوتی معنی‌دار است. برای انجام تحلیلی دقیق‌تر در زمینه مقایسه میانگین درآمد و هزینه‌ها، از

آزمون t نیز استفاده شده که سطح معنی داری در تمام متغیرها کمتر از ۰/۰۵ بوده است. از سوی دیگر، میانگین متغیرهای درآمد، کالاهای مصرفی، و خوراک در روستاهای دارای صنایع به ترتیب ۳۳۶/۵۶، ۴۸/۸۱، و ۶۹/۷۱، و در روستاهای فاقد صنایع به ترتیب ۱۴۳/۲۸، ۳۹/۸۷، و ۵۷/۱۳ است که از تفاوت‌هایی آشکار حکایت دارد.

جدول ۳- مقایسه میانگین درآمد و هزینه خانوار در روستاهای مورد مطالعه بومهن از طریق آزمون F/ دانکن

متغیر	منبع تغییر	مجموع مربعات	درجه آزادی (df)	میانگین مربعات	Z	سطح معنی داری
درآمد	بین گروه‌ها درون گروه‌ها جمع	۲۷۸۴۹۷.۷ ۵۹۳۲۱۵.۱ ۸۷۱۷۱۱۳	۷ ۱۱۷ ۱۲۴	۴۴۰۷۱.۱۰۸ ۵۶۳۴.۳۱۷	۷/۰۸۳	۰/۰۰۰ **
هزینه کالای مصرفی	بین گروه‌ها درون گروه‌ها جمع	۵۶۳۸.۹۲۵ ۲۵۵۶۳.۹۲۴ ۳۱۲۰۲۸۴۸	۷ ۱۱۷ ۱۲۴	۷۶۲.۷۰۴ ۴۱۸.۴۹۵	۳/۰۳۳	۰/۰۰۶ **
هزینه خوراک	بین گروه‌ها درون گروه‌ها جمع	۲۱۴۷۶.۴۲۹ ۶۸۴۲۳.۷۱۹ ۴۸.۱۹۹۰۰	۷ ۱۱۷ ۱۲۴	۲۶۳۹.۴۸۵ ۶۸۴.۷۳۳	۲/۸۰۴	۰/۰۱۰ **
هزینه پوشاک	بین گروه‌ها درون گروه‌ها جمع	۵۳۹۳.۴۳۸ ۳۸۳۷۷.۵۷۳ ۴۳۷۷۱.۰۱۱	۷ ۱۱۷ ۱۲۴	۷۷۰.۳۴۷ ۲۴۲.۵۴۳	۳/۱۷۶	۰/۰۰۴ **
هزینه‌های درمانی، مسافرت، و غیره	بین گروه‌ها درون گروه‌ها جمع	۵۴۶۹.۱۲۹ ۲۳۶۳۱.۹۸۲ ۲۹۱۰۱۱۱۱	۷ ۱۱۷ ۱۲۴	۷۳۸.۴۳۲ ۳۸۷.۴۴۴	۲/۷۲۱	۰/۰۳۷ *
مجموع هزینه‌ها	بین گروه‌ها درون گروه‌ها جمع	۴۰۷۶۲۸۹۸ ۱۶۱۹۲۹۳۴۹ ۲۰۲۶۹۲۲۳۱	۷ ۱۱۷ ۱۲۴	۲۶۲۰۸.۹۲۵ ۴۵۱۴.۸۱۲	۴/۶۱۲	۰/۰۰۰ **

\* معنی داری در سطح ۰/۰۵، \*\* معنی داری در سطح ۰/۰۱، NS: عدم معنی داری

منبع: یافته‌های تحقیق

**تغییر در الگوی مصرف**

با توجه به نتایج تحقیقات میدانی در جدول ۴، اگرچه کالاهای مصرفی اعم از تلویزیون رنگی، ماشین لباسشویی، یخچال فریزر، کولر، و خودروی سواری در هر دو دسته از روستاها رواج دارد اما درصد مصرف آنها کاملاً متفاوت است؛ همچنین، استفاده از کالاهایی مانند خودروی سواری (۴۸/۵۱ درصد)، رایانه (۴۷/۹۲ درصد)، مبلمان (۱۸/۹۴ درصد)، ویدئو (۲۰/۱۹ درصد)، و جارو برقی (۲۴/۱۸ درصد) فقط در روستاهای دارای صنایع متداول است.

جدول ۴- درصد مصرف کالاها در خانوارهای روستاهای دارای صنایع و فاقد صنایع بومهن

کالای مصرفی	روستاهای دارای صنایع	روستاهای فاقد صنایع
تلویزیون رنگی	۹۶/۵۸	۱۷/۱۸
ماشین لباسشویی (خشککن)	۴۴/۳۴	۴/۱۲
یخچال فریزر	۸۶/۱۲	۱۵/۱
کولر	۵۳/۸۵	۲/۸
خودروی سواری	۴۸/۵۱	۵/۱
رایانه	۴۷/۹۲	۰
مبلمان	۱۸/۹۴	۰
ویدئو VCD	۲۰/۱۹	۰
جاروبرقی	۲۴/۱۸	۱

منبع: یافته‌های تحقیق

همان‌گونه که در جدول ۵ آمده، مقایسه میانگین‌ها با استفاده از آزمون ناپارامتری مان‌ویتنی نشان‌دهنده آن است که در مورد همه اقلام مصرفی بادوام مورد بررسی، میان روستاهای دارای صنایع و فاقد صنایع تفاوتی معنی‌دار دیده می‌شود؛ یعنی، در روستاهای دارای صنایع، درصد خانوارهای دارای اقلام مصرفی زیر به مراتب بیش از روستاهای فاقد صنایع است.

جدول ۵- مقایسهٔ اقلام مصرفی خانوارها در روستاهای دارای صنایع و فاقد صنایع بومهن با استفاده از آزمون مان - ویتنی<sup>(۷)</sup>

متغیرها	Mann-whitney	Wilcoxin	Z	سطح معنی داری
تلویزیون رنگی	۲۷۱۲/۵	۴۴۱۲/۵	-۲/۷۵۳	۰/۰۸۰ ns
ماشین لباس شویی (خشک کن)	۲۳۷۶/۶	۵۰۸۷/۵	-۲/۹۸۹	۰/۰۰۰ **
یخچال فریزر	۱۹۶۷/۵	۳۶۷۸	-۴/۵۹۲	۰/۰۰۰ **
کولر	۲۵۷۸/۵	۴۲۹۱/۵	-۱/۸۹۳	۰/۰۰۴ **
خودروی سواری	۲۳۵۸/۵	۴۰۶۷/۵	-۲/۸۸۳	۰/۰۰۰ **
رایانه	۲۵۲۵/۰	۴۰۷۰/۰	-۲/۳۷۷	۰/۰۰۱ **
مبلمان	۲۷۶۸/۰	۴۴۸۲/۰	-۲/۳۴۸	۰/۰۷۰ *

\* معنی داری در سطح ۰/۰۵، \*\* معنی داری در سطح ۰/۰۰۱، ns: عدم معنی داری

منبع: یافته‌های تحقیق

### تغییر در ترکیب سنی جمعیت روستایی

طبق اطلاعات جدول ۶، میانگین سنی در روستاهای دارای صنایع بسیار پایین‌تر از روستاهای فاقد صنایع است. به عبارت دیگر، در روستاهای دارای صنایع، سرپرست خانوارها جزو جمعیت فعال محسوب شده، در گروه‌های سنی جوان و میان‌سال قرار دارد؛ و به‌طور میانگین، ۳۱/۴ درصد جمعیت در گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال قرار می‌گیرند. اما در روستاهای فاقد صنایع، سرپرست خانوارها به‌ترتیب در گروه‌های سنی سالخورده و میان‌سال قرار دارد؛ و به‌طور میانگین، ۴۲/۴ درصد از جمعیت در گروه بالاتر از ۷۰ سال جای داشته‌اند، که از مهاجرت جوانان روستاهای فاقد صنایع بر اثر بیکاری و مسائل و مشکلات اقتصادی آن‌ها حکایت می‌کند (جدول ۶).

جدول ۶- مقایسه درصد جمعیت فعال در روستاهای دارای صنایع و فاقد صنایع بومهن

گروه‌های سنی (سال)	زیر ۳۰	۳۱-۴۰	۴۱-۵۰	۵۱-۶۰	۶۱-۷۰	بالا تر از ۷۰
روستاهای دارای صنایع	خرمدشت	۲۲/۱	۳۲/۴	۱۲/۶	۸	۰/۴
	باغ گمیش	۱۹/۲	۴۲/۱	۲۳/۲	۵	۰/۳
	سیاه‌سنگ جدید	۲۷/۲	۲۷/۲	۳۴/۲	۵/۸	۰/۸
	کرشت	۳۰/۲	۳۰/۳	۸/۲	۴	۲/۱
	پله‌سنجر	۲۲/۱	۳۵/۶	۳۲/۱	۹/۱	۱
روستاهای فاقد صنایع	سنگ لشکری	۴/۷	۵/۹	۱۰/۸	۱۲/۹	۲۵/۲
	طاهرآباد	۲/۱	۱۰/۸	۳/۷	۱۵/۲	۲۹/۳
	گل‌خندان	۱/۹	۱۱/۲	۱/۴	۱۱/۱	۲۹/۲
	واصفجان	۲/۶	۱۳/۴	۱۲/۸	۱۲/۸	۲۷/۲
	گل‌دره	۲/۱	۱۱/۴	۰/۳	۱۵/۹	۲۵/۱
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

منبع: یافته‌های تحقیق

### جلوگیری از مهاجرت و ماندگاری جمعیت در روستا

مهاجرت‌های روستا- شهری که پس از اصلاحات اراضی در ایران شتابی فزاینده یافته است، هنوز از بزرگ‌ترین معضلات کشور محسوب می‌شود، چنان‌که هر ساله انبوهی از جوانان روستایی برای یافتن شغل و درآمد به شهرها مهاجرت می‌کنند (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۰: ۳۶).

برای بررسی برآیند ایجاد نواحی صنعتی در مناطق روستایی بومهن از دیدگاه ماندگاری شاغلان و تداوم زندگی در روستای محل سکونت بر اثر ایجاد اشتغال جدید، گذشته از توجه به انگیزه سرپرست خانوار، میزان تمایل خانواده‌ها نیز مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. یافته‌های تحقیق حاکی از وجود تفاوتی معنی‌دار میان نوع اشتغال در خانوارهای روستاهای دارای صنایع و فاقد صنایع است، به‌نحوی که

روستاهای خرمدشت، باغ گمیش، سیاه‌سنگ جدید، کرشت و پله‌سنجر واقع در کنار نواحی صنعتی نه‌تن‌ها جمعیت فعال خود را از دست نداده بلکه جاذب جمعیت نیز بوده‌اند. بر اساس نتایج بررسی‌ها، حدود ۳۰/۸ درصد از جمعیت این روستاها را مهاجرانی تشکیل می‌دهند که به دلیل اشتغال در واحدهای تولیدی صنعتی، در آنجا اسکان یافته‌اند.

### **رضایت و ثبات شغلی**

ایجاد اشتغال و در پی آن، رضایت شغلی و ثبات درآمدی نیز از پیامدهای مهم صنعتی‌سازی روستاهاست و به افزایش میزان ماندگاری در روستا می‌انجامد. از دیدگاه بسیاری از نظریه‌پردازان اقتصادی، نبود اشتغال مولد در روستا می‌تواند به عدم برخورداری از امنیت شغلی و در نهایت، به مهاجرت‌های روستایی منجر شود. بدین ترتیب، ایجاد اشتغال مولد و پایدار در راستای دستیابی به امنیت و رضایت شغلی نزد روستاییان از مهم‌ترین اهداف توسعه نواحی صنعتی روستایی است. بر اساس اطلاعات به‌دست آمده، ایجاد صنایع با رضایت و ثبات شغلی رابطه‌ای معنی‌دار دارد و سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ (کمتر از ۰/۰۱) مؤید آن است که خانوارهای روستاهای دارای صنایع بومهن از رضایت شغلی بالاتری برخوردارند و به دلیل موقعیت شغلی، به‌ویژه در مورد شاغلان بخش صنایع، انگیزه ماندگاری آن‌ها در مناطق روستایی بسیار بیشتر است.

### **مشارکت در امور روستا**

از دیگر پیامدهای استقرار صنعت، ایجاد انگیزه برای مشارکت‌های مردمی است که معمولاً به‌صورت‌های مشارکت مالی، یدی و مشورتی تجلی می‌یابد. مهم‌ترین اثر مشارکت مردمی در روستاهای مورد مطالعه در زمینه واگذاری زمین و تأمین آب، برق و سایر زیرساخت‌ها قابل مشاهده است. بر اساس یافته‌های آماری جدول ۷، می‌توان ادعان داشت که با افزایش درآمد روستاییان، میزان مشارکت در توسعه و عمران منطقه نیز افزایش می‌یابد. هر چند، بیشتر خانوارها چه در روستاهای دارای صنایع و چه در



روستاهای فاقد صنایع از مشارکت لازم به صورت‌های یادشده برخوردارند، اما از مقایسه میانگین‌ها در ده روستای نمونه چنین برمی‌آید که میزان مشارکت در روستاهای دارای صنایع بومهن به مراتب بیشتر است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹ درصد، بین روستاهای دارای صنایع و فاقد صنایع از لحاظ مشارکت مالی و یدی تفاوتی معنی‌دار وجود دارد و به دلیل افزایش درآمد، ۷۹/۸ درصد از خانوارهای روستاهای دارای صنایع در مشارکت مالی شرکت داشته‌اند، در حالی که این رقم در روستاهای فاقد صنایع تنها ۲۲/۶ درصد را نشان می‌دهد. همچنین، بر اساس مقایسه شاخص‌های مشارکتی از طریق آزمون مان‌ویتنی (در سطح معنی‌داری ۰/۰۵)، وجود سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ در تمامی شاخص‌ها در روستاهای دارای صنایع بیانگر تفاوت معنی‌دار آن‌ها با روستاهای فاقد صنایع است.

جدول ۷- درصد مشارکت خانوارها در روستاهای دارای صنایع و فاقد صنایع بومهن

درصد مشارکت در روستاها		نوع مشارکت
فاقد صنایع	دارای صنایع	
۲۲/۶	۷۹/۸	مالی
۵۵/۶	۹	یدی
۲/۵	۲۰/۴	مشورتی

منبع: یافته‌های تحقیق

#### استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی

تلویزیون، رادیو، روزنامه، مجلات و کتاب‌ها از مهم‌ترین و ملموس‌ترین رسانه‌های جمعی به‌شمار می‌روند که در رشد آگاهی و اطلاعات مردم و به‌ویژه کشاورزان اهمیتی به‌سزا دارند و به باور صاحب‌نظران، ارتباط روستاییان با این رسانه‌ها در آگاهی و پیش آن‌ها بسیار مؤثر خواهد بود (کثیرلو، ۱۳۸۵: ۲۸).

بر اساس نتایج آزمون t در این تحقیق، میان میزان استفاده از رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی و نیز مطالعه کتاب، مجله و روزنامه در روستاهای دارای صنایع و فاقد

صنایع تفاوتی معنی دار وجود دارد (جدول ۸). بر این اساس، میانگین استفاده از وسایل ارتباط جمعی در روستاهای فاقد صنایع و دارای صنایع به ترتیب در مورد رادیو، ۰/۸۵ در برابر ۳/۲۵، و در مورد مطالعه روزنامه، ۰/۲۲ در برابر ۲/۳۴ و مجله، ۰/۱۷ در برابر ۱/۷۲ بوده است که تفاوت‌هایی آشکار را نشان می‌دهد (جدول ۸).

جدول ۸- مقایسه میانگین استفاده از وسایل ارتباط جمعی در روستاهای دارای صنایع و فاقد صنایع بومهن با استفاده از آزمون t (واحد: ساعت در هفته)

متغیرها	گروه	T	درجه آزادی (df)	سطح معنی داری	انحراف معیار	میانگین
رادیو	A	۲/۵۵	۱۲۳	۰/۰۰۵**	۳/۲۷	۰/۸۵
	B	۲/۹۴	۱۰۶/۹۹	۰/۰۰۴**	۵/۶۱	۳/۲۵
تلویزیون	A	۲/۰۴	۱۲۳	۰/۰۴۵*	۲۱/۱۱	۲۳/۰۴
	B	۱/۱۴	۱۰۷/۸۳	۰/۰۴۹*	۸/۸۵	۲۶/۷۵
روزنامه	A	۵/۰۰	۱۲۳	۰/۰۰۰**	۱/۱۲	۰/۲۲
	B	۵/۳۵	۸۶/۲۹	۰/۰۰۰**	۲/۹۵	۲/۳۴
مجله و کتاب	A	۳/۰۷	۱۲۲	۰/۰۰۳**	۱/۰۲	۰/۱۷
	B	۳/۲۵	۷۷/۲۱	۰/۰۰۲**	۳/۷۲	۱/۷۲

A: روستاهای فاقد صنایع، B: روستاهای دارای صنایع  
\* معنی داری در سطح ۰/۰۵، \*\* معنی داری در سطح ۰/۰۱، NS: عدم معنی داری  
منبع: یافته‌های تحقیق

### میزان سواد

نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین میزان تحصیل سرپرست خانوار در روستاهای دارای صنایع و فاقد صنایع بومهن تفاوتی معنی دار وجود دارد. گفتنی است که با احتمال ۹۹ درصد، میزان تحصیلات همسر سرپرست خانوار نیز در این دو گروه نشان‌دهنده تفاوتی معنی دار بوده، میانگین میزان سواد در روستاهای دارای صنایع تقریباً دو برابر روستاهای فاقد صنایع است.

### خدمات بیمه‌ای

در پی ایجاد شهرک‌ها و نواحی صنعتی، کارکنان واحدهای تولیدی زیر پوشش بیمه‌های بهداشتی و درمانی و به‌ویژه تأمین اجتماعی قرار گرفته‌اند بر اساس مطالعات انجام شده، حدود ۸۰/۱ درصد شاغلان بخش صنایع در جامعه نمونه زیر پوشش بیمه قرار دارند. بر اساس نتایج این تحقیق، حدود ۷۲/۱ درصد خانوارهای روستاهای دارای صنایع بومهن از خدمات بیمه‌ای برخوردارند، در حالی که فقط ۸ درصد خانوارهای روستاهای فاقد صنایع زیر پوشش بیمه قرار دارند. این آمار برای تمامی امور بیمه‌ای اعم از درمانی، بازنشستگی، از کار افتادگی، حوادث و نیز بیمه تکمیلی مصداق دارد.

### کیفیت و کمیت مسکن روستایی

بررسی تأثیر ایجاد نواحی صنعتی در مناطق روستایی بر کیفیت مسکن روستایی از نظر مصالح ساختمانی نشان می‌دهد که ۸۵/۲ درصد ساختمان‌ها در روستاهای دارای صنایع با مصالح مرغوب و کیفیت مهندسی ایجاد شده‌اند، در حالی که این رقم در روستاهای فاقد صنایع به ۴۹/۳ درصد می‌رسد. بر اساس مطالعات میدانی انجام شده در این تحقیق، این موضوع در مورد روستاییان جامعه نمونه کاملاً صدق می‌کند و علاوه بر تفاوت در کیفیت مسکن، در مورد مساحت مسکن نیز میان روستاهای دارای صنایع و فاقد صنایع تفاوتی معنی‌دار دیده می‌شود (جدول ۹). همچنین، طبق مطالعات میدانی، ۸۹/۸ درصد از مسکن‌ها در روستاهای دارای صنایع بیش از ۱۰۰ متر مربع است، که این رقم در روستاهای فاقد صنایع به ۴۲/۱ درصد می‌رسد. چنان‌که در جدول ۹ ملاحظه می‌شود، سطح معنی‌داری آزمون در روستاهای دارای صنایع کمتر از ۰/۰۱ است که تفاوتی معنی‌دار را نشان می‌دهد. طبق بررسی‌های آزمون t در جدول ۹، میانگین مساحت مسکن در روستاهای دارای صنایع ۸۶/۲۴ بوده که بیش از میانگین مربوط به روستاهای فاقد صنایع است.

جدول ۹- مقایسه میانگین مساحت مسکن در روستاهای دارای صنایع و فاقد صنایع بومهن با استفاده از آزمون t

متغیر	گروه	T	درجه آزادی (df)	سطح معنی داری	انحراف معیار	میانگین
مساحت مسکن (متر مربع)	A	-۲/۴۵	۱۲۳	* ۰/۰۱۹	۱۹/۴۷	۷۶/۷۳
	B	-۲/۴۱	۱۲۲/۳۹	۰/۰۰۰	۲۴/۱۸	۸۶/۲۴

A: روستاهای فاقد صنایع، B: روستاهای دارای صنایع

ns: عدم معنی داری، \* معنی داری در سطح ۰/۰۱

منبع: یافته‌های تحقیق

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش، با بهره‌گیری از روش‌های آماری، تأثیر صنایع روستایی بر شاخص‌های مورد نظر در نواحی روستایی سنجیده شده و یافته‌ها حاکی از آن است که بین شاخص‌ها و ایجاد صنایع رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. مقایسه میانگین هزینه‌های کالای مصرفی، خوراک، پوشاک، و درمان میان خانوارهای دو گروه روستاهای دارای صنایع و فاقد صنایع، چه در بین گروه‌ها و چه در درون گروه‌ها، تفاوتی معنی‌دار را نشان می‌دهد. مقایسه اقلام مصرفی کالا در روستاهای دو گروه حاکی از آن است که به‌دنبال ایجاد صنایع، الگوی مصرف دستخوش تغییر شده است؛ و در روستاهای دارای صنایع، استفاده از برخی کالاهای مصرفی مانند رایانه (۴۷/۹)، مبلمان (۱۸/۹)، ویدئو (۲۰/۱)، و جاروبرقی (۲۴/۱) در شرایط عدم استفاده از آن‌ها در روستاهای فاقد صنایع بسیار جالب توجه است. همچنین، در پی ایجاد صنایع، در ترکیب سنی و جنسی جمعیت این دو گروه از روستاها تغییراتی عمده پدید آمده است. بررسی میانگین گروه‌های سنی ۳۱ تا ۴۰ سال تفاوتی معنی‌دار را نشان می‌دهد، به‌گونه‌ای که در روستاهای فاقد صنایع، ۱۰/۵ درصد و در روستاهای دارای صنایع، به‌طور میانگین ۳۱/۴ درصد از جمعیت در این گروه سنی قرار گرفته‌اند که نشان‌دهنده مهاجرپذیری و ماندگاری جمعیت در روستاهای دارای صنایع است. سطح رضایت‌مندی از شغل، در

حکم شاخصی مؤثر برای شناسایی تأثیر صنایع روستایی بر توزیع درآمد، در شاغلان واحدهای صنعتی در روستاهای نمونه بالاتر بوده است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که میان روستاهای دو گروه مورد مطالعه، با اطمینان ۹۹ درصد، از لحاظ مشارکت تفاوت معنی‌دار وجود دارد؛ و با ایجاد و بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان، مشارکت مالی در روستاهای دارای صنایع ۷۹/۸ درصد در برابر ۲۶/۶ درصد در روستاهای فاقد صنایع بوده که حاکی از تفاوتی آشکار است. ایجاد صنایع در روستاها بر میزان استفاده از خدمات بیمه‌ای نیز تأثیر گذاشته است، به طوری که در روستاهای دارای صنایع، ۷۲/۱ درصد از خانوارها از خدمات بیمه‌ای استفاده کرده‌اند، در حالی که تن‌ها ۸ درصد از خانوارها در روستاهای فاقد صنایع زیر پوشش بیمه بوده‌اند. افزون بر این، با افزایش میزان درآمد روستاییان، حتی کیفیت و کمیت مسکن روستایی در دو جامعه نمونه بسیار متفاوت شده است به گونه‌ای که در روستاهای دارای صنایع، ۸۵/۲ درصد از ساختمان‌ها دارای مصالح مرغوب و ۸۹/۸ درصد دارای مساحتی بیش از ۱۰۰ متر مربع بوده اما در روستاهای فاقد صنایع، این ارقام به ترتیب ۴۹/۳ درصد و ۴۲/۱ درصد بوده است.

با توجه به تأثیر صنایع بر مؤلفه‌های توسعه، پیشنهاد می‌شود که از طریق احداث کارگاه‌های جدید و تعاونی برای صنایع کوچک، زمینه لازم برای ورود بیشتر صنایع در اقتصاد محلی روستاهای مورد مطالعه فراهم آید. از آنجا که ایجاد زیرساخت‌ها در صنایع روستایی زمینه‌ساز دگرگونی وضعیت اقتصادی و اجتماعی روستاییان و افزایش سطح اشتغال و درآمد و در نتیجه، بهبود وضعیت زندگی آن‌ها خواهد بود، توسعه زیرساخت‌های روستایی بسیار اهمیت دارد. همچنین، پرداخت تسهیلات در چارچوب ساختارهای تعاونی و اتحادیه صنایع روستایی نیز با کاهش هزینه و افزایش بهره‌وری سرمایه بسیار مؤثر خواهد بود. توجه به مشارکت روستاییان در زمینه سرمایه‌گذاری در واحدهای صنعتی ضروری است تا در پرتوی آن، توسعه پایدار و همه‌جانبه روستایی محقق شود. مشارکت خود روستاییان در زمینه سرمایه‌گذاری از طریق تأسیس شرکت‌های تعاونی راهکاری مناسب برای توسعه صنایع کوچک روستایی بومهن به‌شمار می‌رود.

## یادداشت‌ها

1. M. T. Hag
2. U. C. Nayak
3. David Ragez
4. T. Abraham
5. J. T. Shay
6. Duncan
7. Mann-Whitney

## منابع

- اختر، عبدالمجید (۱۳۸۳)، *صد سال عمران روستایی*. ترجمه اسدالله زمانی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- دربان آستانه، علیرضا (۱۳۸۴)، *صنعتی شدن روستا، چالش‌ها و راهبردها*. همدان: سازمان جهاد کشاورزی استان همدان، اداره کل عمران روستایی.
- رحیمی، علی (۱۳۸۳)، *صنایع کوچک روستایی و توسعه پایدار*. اراک: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان مرکزی، واحد آمار و انفورماتیک.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۵)، *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
- سازمان جغرافیایی ارتش (۱۳۸۶)، *فرهنگ آبادی‌های کشور: استان تهران*.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۴)، *مروری بر برنامه‌ها و استراتژی‌های توسعه طی سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰*. تهران: معاونت مطالعات و برنامه‌ریزی.
- شایان، حمید و شاهی اردبیلی، حکمت (۱۳۸۶)، «نقش صنایع روستایی در توزیع بهینه درآمد: مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان مشهد». *فصلنامه روستا و توسعه*. سال ۱۰ شماره ۲.
- شرکت شهرک‌های صنعتی استان تهران (۱۳۸۶)، *شناسنامه شهرک‌های صنعتی شرق تهران*. تهران: صحراپیان، سیدمهدی (۱۳۸۰)، *اقتصاد ایران، سازمان‌دهی صنایع کوچک، طرحی در بازسازی ساختار اقتصاد ایران*. تهران: نشر معارف.
- طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۹)، «نقش نواحی صنعتی در توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی: نواحی روستایی استان مرکزی)». *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*. تهران: دانشگاه تهران، شماره ۳۴.
- عمیدی، علی (۱۳۸۱)، *نظریه نمونه‌گیری و کاربردهای آن*. (جلد اول). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

کثیرلو، محمد (۱۳۸۵)، *تأثیر و نقش رسانه‌ها در توسعه پایدار روستایی*. انجمن جامعه‌شناسی روستایی ایران.

کلانتری، خلیل (۱۳۸۰)، *برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای*. تهران: انوار دانش.

گرگانی، سیدعلی (۱۳۸۶)، *درآمدی بر نظریه‌های توسعه روستایی*. تهران: علم.

مطیعی لنگرودی، سیدحسن (۱۳۷۹)، «اثرات اقتصادی-اجتماعی شهرک‌های صنعتی در نواحی روستایی (مطالعه موردی: شهرک صنعتی مشهد)». *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۳۳.

مطیعی لنگرودی، سیدحسن و مرادی، محمود (۱۳۸۴)، «جایگاه صنایع در فرآیند صنعتی‌سازی و توسعه روستایی بخش مرکزی شهرستان بیرجند». *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۴۵.

مهندسین مشاور راهور (۱۳۸۵)، *راهبردها و سیاست‌های توسعه روستایی در روستاهای استان مرکزی*. اراک: سازمان جهاد کشاورزی استان مرکزی.

مؤمنی، سیدحسن (۱۳۸۵)، «شکل‌گیری و روند تحولات بافت روستایی با تأکید بر صنایع کوچک». *مجموعه مقالات راهبردهای برنامه‌ریزی*. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.

نجفی کانی، علی‌اکبر (۱۳۸۵)، «بررسی و ارزیابی اثرات شهرک‌ها و نواحی صنعتی در توسعه اقتصادی-اجتماعی مناطق روستایی، نمونه موردی: شهرستان بابل». *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی*، شماره ۵۸.

نصیری، اسماعیل (۱۳۸۶)، *پیامدهای زیست‌محیطی تأثیرات صنایع بر محیط زیست شهر بومهن*. چهارمین همایش سالانه محیط زیست شهری. تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.

وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۵)، *صنایع روستایی و رهنمودهایی برای توسعه*. تهران: سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی.

وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۶)، *فرهنگ آبادی‌های کشور، استان تهران*. تهران: معاونت عمران روستایی.

وزارت صنایع و معادن (۱۳۸۶الف)، *خلاصه وضعیت واحدهای صنعتی شهرستان تهران*. تهران: اداره کل طرح‌های صنعتی.

وزارت صنایع و معادن (۱۳۸۶ب)، *گزارش وضعیت واحدهای کارگاهی-صنعتی شهر بومهن*، جلد اول، نوع فعالیت‌های تولیدی. تهران: اداره کل طرح‌های صنعتی.

وزارت صنایع و معادن (۱۳۸۶ج)، «گزارش واحدهای صنعتی سیاه‌سنگ بومهن». تهران: اداره کل طرح‌های صنعتی. قابل دسترسی در:

[www.sanayeh.2A.org/index./2007/htm/1](http://www.sanayeh.2A.org/index./2007/htm/1)

وزارت صنایع و معادن (۱۳۸۶د)، «گزارش واحدهای صنعتی باغ کمیش بومهن». تهران: اداره کل طرح‌های صنعتی. قابل دسترسی در:

[www.industrytehran.ir/it12/index/2007.htm/2](http://www.industrytehran.ir/it12/index/2007.htm/2)

Abraham, T. (2004), *Rural Industries and Rural Industrialization*. London: Oxford University Press.

Chadwick, W. (2007), *Spatial Organization in Rural Areas*. New York: Prentice-Hall.

Lanjouw, P. (2008), *Rural Non-Agricultural Employment and Poverty in Latin America*. Washington DC: World Bank.

Lee, S. (2007), *Diversification of the Rural Economy: A Case Study on Rural Industrialization in the Republic of Korea*. Pyongyang: INSES.

Pears, R. (2007), *Location, Development, Industry*. Oxford: Blackwell.

Radpear, G (2008) *Rural Planning (New Approach)*. London: Blackwell.

Skinner, N. M. (2007), "Social and environmental regulation in rural China". *Geoforum*. Vol. 34. No. 2.

Smith, R. (2008), *Industry Cluster Analysis*. Melbourne: Blackwell.

Walkers, V. (2007), *Policy Innovation for Rural Sustainable Development*. New York: USA Rural Policy Research Institute.

Wheitz, R. (2006), *Regional Planning for Developing Countries*. London: Blackwell.